

نظری بر مبانی فلسفی ربط: ثابت، سیال، یا هردو ارزیابی ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات بر مبنای دیالکتیک افلاطونی

محسن نوکاریزی | مهدی زینالی تازه‌کندی

هدف: تحلیل دو رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی در نظام‌های بازیابی اطلاعات و ارزیابی ربط از منظر بنیان‌های معرفت‌شناختی و ارائه رویکردی ترکیبی مبتنی بر دیالکتیک افلاطونی.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر مطالعه‌ای نظری است که با نگاهی انتقادی دو رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی در نظام‌های بازیابی اطلاعات و ارزیابی ربط را تحلیل کرده و با توجه به نقاط قوت و ضعف احتمالی آن، روشی به نسبت جامع مبتنی بر دیالکتیک افلاطونی پیشنهاد داده است.

یافته‌ها: به لحاظ معرفت‌شناختی، رویکرد نظام‌گرایی ریشه در فلسفه ثابت پارمنیدسی و رویکرد کاربرگرایی ریشه در فلسفه سیلان هراکلیتوسی دارد. تغییر در نیاز اطلاعاتی، شیوه دیدن جهان، و تغییر در فرایند قضاوت ربط را می‌توان با استفاده از نظریه سیلان هراکلیتوسی؛ همچنین تغییر قضاوت ربط درباره مدرکی واحد را در زمان‌های مختلف می‌توان با ثابت پارمنیدسی توضیح داد. برای پیروشدن بر کاستی‌های این دو رویکرد در ارزیابی ربط مدارک بازیابی‌شده، به کارگیری روش دیالکتیکی افلاطونی می‌تواند روشی جایگزین باشد.

نتیجه‌گیری: دیالکتیکی افلاطونی روش مرکب استقرایی - قیاسی است که در آن همه اجزای بازیابی اطلاعات در تمام مراحل جستجو به صورت یک کل دیده می‌شود که همه اجزای آن در عمل، در تعامل با یکدیگرند؛ بنابراین می‌تواند رویکردی مناسب برای ارزیابی "ربط" در نظام‌های بازیابی اطلاعات باشد.

کلیدواژه‌ها

قضاوت ربط، بازیابی اطلاعات، دیالکتیک افلاطون، نظریه سیالیت هراکلیتوس، نظریه ثابت پارمنیدس

نظری بر مبانی فلسفی ربط: ثابت، سیال، یا هردو ارزیابی ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات بر مبنای دیالکتیک افلاطونی

محسن نوکاریزی^۱

مهدی زینالی تازه‌کندی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۴

مقدمه

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تنها مکان‌هایی بودند که در آنجا منابع اطلاعاتی برای پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان دسترس‌پذیر بود. با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تغییرات شگرفی در تولید، توزیع، انتشار، اشاعه، و دسترسی به منابع اطلاعاتی به‌وجود آمد. از سوی دیگر، در تمدن‌های کهن، دانشمندان و فیلسوفان تنها قشر خاصی از جامعه بودند که کاربران اصلی اطلاعات به‌شمار می‌آمدند؛ اما امروزه این حد و مرز به‌طور کامل برداشته شده است و همه نیازمند اطلاعات‌اند. افراد مختلفی در سراسر جهان با انواع گوناگونی از نیازهای اطلاعاتی در جستجوی اطلاعاتی مرتبط با نیاز اطلاعاتی خود هستند. از این‌رو، بازیابی اطلاعات مرتبط به امری مهم تبدیل شده است و کاربران تمایل دارند با صرف کم‌ترین زمان و تلاش به اطلاعات مرتبط دست یابند. بنابراین، "ربط" به عاملی مهم در نظام‌های بازیابی اطلاعات تبدیل شده است و پژوهشگران مختلف تلاش کرده‌اند تا مفهوم ربط را توضیح دهند و مقالات مرتبط با ربط در بسیاری از مجلات داخلی و خارجی منتشر شده است.

حریری (۱۳۷۷) در پژوهشی ابتدا درباره دو نگرش موجود در ربط، یعنی ربط عینی و ربط ذهنی به‌طور مختصر بحث کرده و در ادامه نظریه ربط روان‌شناختی اسپربر و ویلسون^۳ را توضیح داده است. وی معتقد است ربط، تصویری نظری است

۱. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

mnowkarizi@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

ma.zeynali@gmail.com

3. Sperber & Wilson

که در ارزیابی ربط نتایج بازیابی شده استفاده‌کنندگان، افزون بر ارتباط موضوعی، از عوامل دیگری نیز تأثیر می‌گیرد. وی این عوامل را در چهار گروه دریافت و تصور استفاده‌کننده از اجزای مدرک، ویژگی‌های فردی استفاده‌کننده، شرایط خارجی (نظیر کیفیت کاوش و دسترس‌پذیری اطلاعات موجود)، و شرایط مسئله طبقه‌بندی کرده است.

نشاط (۱۳۸۲) نیز در مطالعه‌ای درباره رویکرد هرمنوتیکی در بازیابی اطلاعات و ربط بیان می‌کند ربط مفهومی نظری است و کاربران مختلف ممکن است نظرات مختلفی درباره مرتبط و بی‌ربط بودن مدارک خاص در مقایسه با پرسش‌های مطرح شده داشته باشند. ارزیابی کاربران افزون بر ارتباط موضوعی مدارک، از عوامل دیگری مانند دریافت و تصور استفاده‌کننده از اجزای مدارک، تصور وی از جنبه‌های مختلف کاوش، و درک استفاده‌کننده از گستره مسئله اثر می‌گیرد. درنهایت، وی اذعان می‌دارد فرایند داوری مرتبط بودن مدارک با نیاز اطلاعاتی، فرایندی تفسیری است.

فتاحی (۱۳۸۳) با نگاهی دیگر بیان می‌کند تعیین میزان ربط نتایج بازیابی شده با نیاز اطلاعاتی از راه‌های اصلی ارزیابی نظام‌های اطلاعاتی است. وی معتقد است برای سنجش ربط، ابتدا لازم است آنچه بر قضاوت کاربران تأثیر می‌گذارد و باعث تفاوت‌های فردی می‌شود، شناسایی شود. در این راستا، وی عوامل مؤثر بر ربط را تحلیل و دسته‌بندی کرده و این عوامل را موجب نسبی بودن ربط معرفی کرده است. در این پژوهش، عوامل مؤثر بر ربط به عوامل مربوط به کاربر و نظام تقسیم شده است.

رویگرد شناختی یکی از رویکردهای بازیابی اطلاعات است که حسن‌زاده و رضازاده (۱۳۸۷) به آن توجه کرده‌اند. آنها تلاش کرده‌اند تبیین کنند چگونه افراد اطلاعات را درک می‌کنند، به یاد می‌سپارند، و درباره آن فکر می‌کنند. در این پژوهش، میزان تطابق فیزیکی کلیدواژه‌های موجود در منابع بازیابی شده و کلیدواژه‌های موجود در پرسش کاربر را ربط ظاهری و میزان انطباق میان محتوای منابع اطلاعاتی و تکامل فرایندهای شناختی را ربط شناختی معرفی کرده‌اند. آنان معتقدند براساس ربط شناختی، نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات هر قدر بتواند کاربر را در رسیدن به نقطه شروع دیگری رهنمون کند، به همان اندازه توانسته است نقشی در گسترش شناخت او داشته باشد. درنهایت، آنان نتیجه می‌گیرند شناخت مراحل پیچیده‌ای دارد و نحوه تأثیرگذاری آن بر ارزیابی ربط از سوی کاربران اهمیت زیادی دارد.

ساراسویک^۱ از پژوهشگرانی است که مقالات مختلفی را در حوزه ربط منتشر کرده است. وی در مطالعه‌ای (۲۰۰۷) به مفهوم ربط از دیدگاه منطق، فلسفه، و ارتباطات توجه کرده است. همچنین، وی در این پژوهش به مدل پویا و مدل دوگان‌محور از ربط اشاره کرده است. در نهایت، وی معتقد است که هر دو رویکرد نظام‌محوری و کاربرمحوری شکست خورده‌اند و پژوهش‌هایی در ارزیابی بازیابی اطلاعات موفق خواهند بود که به هر دو رویکرد توجه داشته باشند. همچنین وی پنج نمود ربط با نام‌های ربط الگوریتمی، موضوعی، شناختی، موقعیتی، و عاطفی را شناسایی کرده است.

یورلند^۲ (۲۰۱۰) ابتدا دو رویکرد موجود در حوزه ربط را تحلیل کرده؛ سپس نقاط ضعف آنها را مشخص کرده است. این پژوهش از جمله نخستین پژوهش‌هایی است که رویکرد کاربرمدار در آن نقد شده است. وی در نهایت، درباره دیدگاه سازمان‌دهی دانش خود بحث کرده است.

در پژوهشی دیگر، هوانگ و سوئرگل^۳ (۲۰۱۳) ضمن تشریح عوامل مؤثر بر ربط اذعان می‌دارند ارتباط موضوعی، قلب ربط است. به اعتقاد آنها دو رویکرد نظام‌محوری و کاربرمحوری متضاد هم نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند؛ در نتیجه در حوزه ربط باید از رویکردی استفاده شود که مشتمل بر این دو رویکرد باشد.

بر اساس آنچه گفته شد در پژوهش‌های ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات، توجه به هر دو رویکرد عینی و ذهنی در ربط و استفاده از روشی که هر دو رویکرد را پوشش دهد، اهمیت بسزایی دارد. به بیان دیگر، در ارزیابی ربط مدارک بازیابی شده با نیاز اطلاعاتی، توجه به هر دو گروه از عوامل مؤثر بر ربط، یعنی عوامل مرتبط با نظام و عوامل مرتبط با کاربر ضروری است و پژوهش حاضر درصدد حل این مسئله است که استفاده از چه رویکردی شامل هر دو رویکرد عینی / نظام‌محور و ذهنی / کاربرمحور خواهد بود. در این راستا، مقاله حاضر بر آن شد تا مفهوم "ربط" را از نظر مبانی معرفت‌شناختی بررسی کند. برای این منظور، ابتدا دو رویکرد نظام‌گرایی (عینی) و کاربرگرایی (ذهنی) در موضوع ربط به‌طور انتقادی بررسی و مبانی فلسفی و نظری هر دو رویکرد مشخص شد. سرانجام رویکردی ترکیبی برای ارزیابی ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات، با توجه به مبانی معرفت‌شناسی پیشنهاد شد.

ربط

تا ۲۰۰۸، بیش از ۱۶۰ پژوهشگر تلاش کرده‌اند مفهوم ربط را تبیین کنند (لاورنکو^۴،

1. Saracevic
2. Hjørland
3. Huang & Soergel
4. Croft & Lavrenko

۲۰۰۹). شاید بتوان گفت به تعداد پژوهشگران، تعاریف مختلفی از ربط وجود دارد و چندین مسئله موجب تفاوت نگرش به ربط شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

تفاوت معنای عین و ذهن در فلسفه

در قرن نوزدهم وجود ذهن جدا از کالبد به‌چالش کشیده و سبب تغییر مفهوم ذهن شد و به یک راه جدید و کاملاً رادیکال تبدیل شد (دایره‌المعارف بریتانیکا^۱، ۲۰۱۶). به‌نظر می‌رسد این تغییر بر علم اطلاعات نیز تأثیر گذاشته است. پارک^۲ (۱۹۹۳) ربط موضوعی - رابطه بین اطلاعات کتاب‌شناختی و موضوع پرسش - را از نوع ربط ذهنی می‌داند؛ زیرا کاربران برحسب ذهنیات خود مدارک را تفسیر و مدارک مرتبط را انتخاب می‌کنند. حریری (۱۳۷۷) و ساراسویک (۲۰۰۷) ربط موضوعی را ربط عینی می‌دانند.

تفاوت دیدگاه مکتب‌های فلسفی

تفاوت در مکتب‌های فلسفی سبب تغییر نگرش به ربط شده است. فاسکت^۳ (۱۹۷۲) رویکرد جامعه‌شناختی و پوزیتیویستی را پارادایم مناسبی می‌داند؛ به‌همین دلیل، از نظر وی ربط به مفهوم جمع و جامعه اشاره دارد. درحالی‌که، از نظر بوکستین^۴ (۱۹۷۹) که گرایش آگزیستانسیالیستی دارد، ربط به فرد و شخص اشاره دارد و از نظر شامبر، آیزنبرگ، و نیلان^۵ (۱۹۹۰) موقعیت جایگزین مناسبی برای جامعه و فرد در تعریف "ربط" است. گافمن و نیل^۶ دیدگاه پراگماتیکی دارند و از نظر آنها مدارک می‌تواند مناسبت داشته باشد ولی مرتبط نباشد (ساراسویک، ۱۹۷۵)؛ درحالی‌که هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) موافق این نظر نیستند بلکه معتقدند مدرک باید مرتبط باشد تا بتواند مناسبت نیز داشته باشد.

آمیختگی مفهومی "ربط" و "قضاوت ربط"

همان‌گونه که یاسپرس^۷ میان حقیقت و تشخیص حقیقت تمایز قائل می‌شود (برن^۸، ۱۳۶۶)، بوکستین (۱۹۷۹) و میزارو^۹ (۱۹۹۸) نیز میان ربط و قضاوت ربط تمایز قائل شده‌اند. چپستی ربط مربوط به هستی‌شناسی است؛ در صورتی‌که رابطه بین فاعل شناسا (قضاوت‌کننده ربط) و متعلق شناخت (مدارک مرتبط) در حوزه معرفت‌شناسی است. یعنی معرفت‌شناسی مجزا از هستی‌شناسی است، اگرچه رابطه ناگسستنی با

1. Encyclopedia Britanica
2. Park
3. Foskett
4. Bookstein
5. Schamber, Eisenberg, & Nilan
6. Goffman & Newill
7. Jaspers
8. Brun
9. Mizzaro

همدیگر دارند (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰؛ قهرمانی و عبدالهی، ۱۳۹۲). اما، برخی پژوهشگران این موضوع را نادیده گرفته‌اند (سوانسون^۱، ۱۹۸۶؛ دروین و نیلان^۲، ۱۹۸۶).

تفاوت دیدگاه نسبت به نیاز اطلاعاتی

مفهوم ربط با مفهوم نیاز اطلاعاتی پیوند خورده است و نوع نگاه به نیاز اطلاعاتی بر نوع نگاه به ربط تأثیر بسزایی دارد. از دیدگاه شامبر^۳ نیاز اطلاعاتی ارتباط مستقیم با مفهوم ربط دارد و کاربران با توجه به نیاز اطلاعاتی خود نتایج بازیابی شده را داوری می‌کنند (فتاحی، ۱۳۸۳). بسیاری از پژوهشگران مانند ویلسون^۴ نیاز اطلاعاتی را نیاز ثانویه و ناشی از نیازهای اولیه می‌دانند (نومر و فیشر^۵، ۲۰۰۹)؛ درحالی‌که برخی پژوهشگران با گرایش اگزیستانسیالیستی نیاز اطلاعاتی را نیاز اولیه می‌دانند (کیس^۶، ۱۳۹۳)؛ همچنین بحث‌های مرتبط با نیاز، خواسته، و تقاضا به فرایندهای اطلاع‌یابی مربوط است. باوجود این تفاوت‌ها و نگرش‌های مختلف درباره ربط، در متون پیشین از دو رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی نامبرده شده است:

الف) رویکرد نظام‌گرا

مطالعات اصلی ارزیابی بازیابی اطلاعات، از مطالعات کرانیفیلد^۷ در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تا ارزیابی‌های کنفرانس بازیابی متن (ترک)^۸ در ۱۹۹۰، مبتنی بر رویکرد نظام‌گراست (ساراسویک، ۱۹۹۶). این مطالعات ریشه در فلسفه فیزیکی یا مکانیکی دارد (کوپر^۹، ۱۹۷۱؛ کاپورو^{۱۰}، ۲۰۰۳). در فلسفه مکانیکی باید از فیلسوف شهیر این مکتب، یعنی پارمنیدس^{۱۱} یاد کرد که فلسفه "بودن" را ارائه می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸). براساس نظر وی، آن که هست هست و نمی‌تواند نباشد و آن که نیست نیست و نمی‌تواند باشد. یعنی، وجود برای پارمنیدس معنایی دقیق و مطلق دارد و یک چیز یا هست یا نیست (بختیاری، ۱۳۹۴). در ارزیابی‌های ربط که از این رویکرد استفاده می‌شود هر مدرک یا مرتبط است یا مرتبط نیست (بوکستین، ۱۹۷۹؛ بورلاند^{۱۲}، ۲۰۰۳؛ لاورنکو، ۲۰۰۹) همچنین، براساس نظر پارمنیدس آن که هست، می‌تواند اندیشیده، شناخته، بیان، یا نامیده شود و آن که نیست نمی‌تواند این‌گونه باشد. آنچه شناخته و بیان می‌شود هست؛ اما این شناخت از طریق خدایان برای او آشکار می‌شود (بختیاری، ۱۳۹۴). در این راستا، در ارزیابی‌های بازیابی اطلاعات در آزمون کرانیفیلد و کنفرانس بازیابی متن (ترک) از متخصصان برای تشخیص مدارک مرتبط استفاده

1. Swanson
2. Dervin and Nilan
3. Schamber
4. Wilson
5. Naumer & Fisher
6. Case
7. Cornfield
8. Text REtrieval Conference (TREC)
9. Cooper
10. Capurro
11. Parmenides
12. Borlund

می‌شود (هارتر^۱، ۱۹۹۲؛ ساراسویک، ۲۰۰۷). موضوع دیگری که از نظر پارمینیدس اهمیت فراوان دارد، اصل "ثبات و تغییرناپذیری" است (بختیاری، ۱۳۹۴)؛ بر همین اساس، به نیاز اطلاعاتی به‌عنوان مفهومی ایستا نگریسته می‌شود (بورلاند، ۲۰۰۳). با اندکی تسامح، منطق ارسطویی را می‌توان مشابه این نظر دانست. آنچه برای ارسطو اهمیت داشت عقل و شناخت بود و برای رسیدن به شناخت و دستیابی به حقیقت از روش قیاس استفاده می‌کرد و چندان توجهی به استقرار نداشت (شرف‌خراسانی، ۱۳۵۲).

در منطق قیاسی دو مقدمه وجود دارد، از این دو مقدمه نتیجه حاصل می‌شود. بدین ترتیب که فرد عاقل با درک دو مقدمه نتیجه را دریافت می‌کند. این اندیشه سبب شده است که در نظام‌های بازیابی اطلاعات، ارزیابی‌ها فقط مبتنی بر برون‌داد باشد و از راهبردی یک‌سویه در تحلیل نظام اطلاعاتی استفاده و فرایند تعاملی نادیده گرفته شود (ساراسویک، ۱۹۹۶؛ کیانی، ۱۳۹۱). برای ارزیابی نظام اطلاعاتی و مدارک مرتبط در چنین رویکردی لازم است تا نیاز اطلاعاتی و مدارک بازیابی شده هردو در دسترس متخصصان باشد.

در رویکرد نظام‌گرا تعریفی سخت و منطقی و ریاضی‌وار ارائه می‌شود و هر مفهوم را می‌توان به‌صورت ریاضی تعریف کرد. هرگاه مفهومی پیچیده باشد، می‌توان آن را به اجزایش تقسیم کرد تا درک آن آسان شود و این اجزا مساوی با "کل واحد" نگریسته می‌شود (چن^۲، ۱۹۷۵). بر این اساس، نیاز اطلاعاتی همان پرسش است و پرسش جایگزین نیاز اطلاعاتی می‌شود. در این معنا، نیاز اطلاعاتی در قالب درخواستی مکتوب به‌عینیت رسیده است (سوانسون، ۱۹۸۶؛ پائو^۳، ۱۳۷۸؛ ساراسویک، ۲۰۰۷). در مطالعات بازیابی اطلاعات که از این رویکرد استفاده می‌شود، ابتدا نیاز اطلاعاتی تبدیل به پرسش و به نظام وارد می‌شود؛ سپس مدارک بازیابی شده یا اطلاعات کتاب‌شناختی آنها به‌همراه پرسش وارد شده برای قضاوت ربط مدارک به‌دست‌آمده در اختیار متخصصان قرار می‌گیرد.

در رویکرد نظام‌گرا به بازیابی اطلاعات که مبتنی بر مدل‌های آزمایشگاهی و سنتی بازیابی اطلاعات است به‌چگونگی فرایند پردازش مدارک و تطابق آن با پرسش کاربر اهمیت داده می‌شود (ساراسویک، ۲۰۰۷). در این حالت، ربط به‌عنوان ویژگی نظام محسوب می‌شود و به فراهم‌آوری، بازنمون، سازمان‌دهی، و مطابقت توجه دارد (ساراسویک، ۱۹۹۶). بدین اعتبار، مفهوم "ربط" به رابطه میان پرسش و مدرک اشاره دارد و معنای ضمنی آن این است که ربط ماهیتی عینی و مستقل دارد و از نظر

1. Harter
2. Chen
3. Pao

عملیاتی ثابت است؛ زیرا به شرایط بازیابی و معلومات فردی وابسته نیست که پرسش را مطرح می‌کند (مهرداد و فلاحتی فومنی، ۱۳۸۴).

نقدهای فراوانی بر این رویکرد وارد شده است. برخی معتقدند اطلاعات هرگز نمی‌تواند عینی باشد، یعنی حقیقت و معنای اطلاعات همیشه دستخوش برداشت آزاد از متن یا داده‌هاست. این دیدگاه در کنار سایر مفاهیم بیانگر آن است که هرگونه توصیه کارشناس زیر سؤال برده می‌شود (کیس، ۱۳۹۳)؛ در این راستا، براساس نظر سوانسون (۱۹۸۶) هر کسی مخالف قضاوت کاربران باشد، لزوماً و حتماً در اشتباه است. پژوهشگران مکتب هرمنوتیکی انتقاد می‌کنند که نیاز اطلاعاتی ایستا نیست، بلکه نوعی موقعیت‌شناختی است که فرد در هر لحظه در آن قرار می‌گیرد و در واقع، لحظه‌به‌لحظه نو می‌شود (نشاط، ۱۳۸۲).

از نظر میزارو (۱۹۹۸) ضعف رویکرد نظام‌گرا این است که نیاز اطلاعاتی مساوی با پرسشی دانسته می‌شود که به نظام وارد شده است و کاربر فقط به وسیله این پرسش نمایان می‌شود و هیچ جنبه دیگری از او در نظر گرفته نمی‌شود (نقل در ساراسویک، ۲۰۰۷). براساس نظر سوانسون (۱۹۸۶) رابطه بین مدرک و تقاضا، خواه یک شخص آن را مرتبط بداند یا مرتبط نداند عینی نیست بلکه ذهنی است؛ چون مدرک و تقاضا هر دو محصول ذهن انسانی هستند. همچنین، رویکرد نظام‌گرایی، تغییر در وضعیت شناختی کاربر در حین تعامل با نظام را نادیده می‌گیرد (هرش^۱، ۱۹۹۴؛ بورلانند، ۲۰۰۳)؛ در نتیجه به نظر می‌رسد این رویکرد از دنیای واقعی خیلی دور باشد (هارتر، ۱۹۹۲). موضوع دیگری که باید به نقدهای این رویکرد اضافه شود این است که وقتی یورلند و کریستنسن^۲ (۲۰۰۲) به ربط نظام‌گرا گرایش دارند همواره از پرسش‌های علوم دقیق، یعنی علوم پزشکی استفاده کرده‌اند، حال آنکه همه نیازهای اطلاعاتی انسان محدود به علوم دقیقه یا عینی نیست و علوم انتزاعی نادیده گرفته شده است. این موضوع به‌گونه‌ای دیگر در پژوهش سوانسون (۱۹۸۶) اشاره شده است، وقتی وی ابراز می‌کند اندیشه ربط عینی، زمانی واضح و آشکارتر خواهد بود که موضوع پرسش درباره دنیای فیزیکی باشد. ایراد دیگر نگاه دودویی "هست و نیست" و "مرتبط و نامرتبط" به این مسئله است (بورلانند، ۲۰۰۳؛ پائو، ۱۳۷۸).

ب) رویکرد کاربرگرا

ویکری^۳ در ۱۹۵۹ بحث‌های مربوط به تعاریف مناسب از ربط را آغاز کرد؛ زمانی که وی بین ربط موضوعی و ربط کاربری تمایز قائل شد (میزارو، ۱۹۹۸؛ پائو، ۱۳۷۸)

1. Hersh
2. Hjørland & Christensen
3. Vickery

و به‌طور خاص، تغییر از پارادایم فیزیکی و مکانیکی آزمون کرانفیلد^۱ به پارادایم شناختی با نظریه وضعیت ناهمگون دانش بلکین^۲ و همکاران و نیز دیدگاه شناختی اینگورسن^۳ صورت گرفت (کاپورو، ۲۰۰۳). در این رویکرد، هدف کلی نظام‌های اطلاعاتی این است تا مدارک مرتبط را برای کاربران فراهم کند و کاربر کانون توجه اصلی است. برحسب این دیدگاه، نظام‌های بازیابی اطلاعات برای استفاده کاربران باید به‌گونه‌ای مناسب طراحی شوند. ربط در این دیدگاه متعلق به وضعیت روان‌شناختی (هارتر، ۱۹۹۲)، ابعاد اجتماعی (ساراسویک، ۲۰۰۷)، و موقعیت فردی (بوکستین، ۱۹۷۹) اوست. نویسندگان مختلف این رویکرد، ربط را با مفاهیمی چون مناسبت، کاربرد، سودمندی، و ربط روان‌شناختی توصیف کرده‌اند (سوانسون، ۱۹۸۶). در دیدگاه کاربرگرایی، ربط ذاتاً با فرایند ذهنی ارتباط دارد (سوانسون، ۱۹۸۶؛ پارک، ۱۹۹۳، ساراسویک، ۲۰۰۷).

شاید بتوان گفت این رویکرد ریشه در فلسفه هراکلیتوسی^۴ - پروتاگوراسی^۵ دارد. براساس نظر هراکلیتوس، تمام اشیا از آتش‌اند؛ در نتیجه همه‌چیز در حال تغییر و شدن است (عصمتی، ۱۳۸۰؛ شرف‌خراسانی، ۱۳۵۲؛ بختیاری، ۱۳۹۴). بر این اساس، نیاز اطلاعاتی فرایندی ایستا نیست؛ بلکه نوعی موقعیت شناختی است که در تعامل با نظام تغییر می‌کند (ساراسویک، ۲۰۰۷). حتی برخی افراد از این پیش‌تر رفته‌اند؛ به‌طور مثال، سوانسون (۱۹۸۶) و حسن‌زاده و رضازاده (۱۳۸۷) معتقدند ارزش اصلی در فرایند بازیابی اطلاعات در استفاده از مدارک نیست، بلکه در طرح مجدد یک پرسش است. در همین راستا، نشاط (۱۳۸۲) نیز معتقد است نیاز اطلاعاتی یا همان زمینه یا موقعیت شناختی پیوسته در تغییر است. بنابراین، براساس این دیدگاه در هر لحظه نیاز اطلاعاتی فرد تغییر می‌کند و وی پرسش جدیدی به نظام ارائه خواهد کرد که در این صورت فرایند بازیابی اطلاعات فرایندی بی‌پایان است که با تغییر لحظه‌ای نیاز اطلاعاتی، پرسش جدیدی به نظام ارائه خواهد شد. این امر همان موضوع دور تسلسل باطل است. از سوی دیگر، اگر اساس بازیابی اطلاعات طرح مجدد پرسش باشد، یعنی هدف نظام فقط کشف و درک نیاز اطلاعاتی کاربر است، نگاهی یک‌طرفه خواهد بود.

کاربرگرایان تا جایی پیش می‌روند که بیان می‌کنند نیاز اطلاعاتی افراد نه با یک مدرک واحد و نه با مجموعه‌ای از مدارک، بلکه از طریق فرایندی برطرف می‌شود که در جستجو اتفاق می‌افتد (کشاورز، ۱۳۹۴). به بیانی دیگر، تعامل با نظام موجب رفع نیاز اطلاعاتی می‌شود. نقد مطرح در این رابطه این است که ربط مسئله اصلی تعامل

1. Cornfield test
2. Belkin
3. Ingwersen
4. Heraclitus, 540-480 BC.
5. Protagoras, 480-410 BC

انسان- رایانه نیست (یورلند، ۲۰۱۰). به عبارتی، اگرچه بازیابی اطلاعات متضمن تعامل کاربران با تمامی جنبه‌های بافتی- شناختی است (نشاط، ۱۳۸۲)، می‌توان گفت که تعامل ربط نیست؛ اما در ربط تعامل وجود دارد.

در فلسفه هراکلیتوس، شناخت وابسته به ادراک می‌شود؛ بر همین اساس، کاربر برحسب شناخت خود درباره مرتبط‌بودن مدارک، قضاوت و از آنها استفاده می‌کند (حسن‌زاده و رضازاده، ۱۳۸۷). برای تبیین این مسئله فرض کنید کاربری با یک نیاز اطلاعاتی و پنج مدرک داشته باشیم. ابتدا از او خواسته شود که ربط مدارک را مشخص کند و او مدرک "الف" را بی‌ربط و مدارک "ب" و "ت" را مرتبط بداند. اگر یک‌بار دیگر بعد از خواندن مدارک دوباره از او خواسته شود تا ربط مدارک را مشخص کند و این‌بار وی مدرک "الف" را نیز مرتبط تشخیص دهد، این همان پویایی ربط است که بورلاند (۲۰۰۳) به آن اشاره کرده است. پس مطابق این دیدگاه، ادراک و شناخت ما اصل است نه وجود رابطه.

برحسب دیدگاه کاربرگرایی، این کاربر است که بر نیاز اطلاعاتی خود آگاهی دارد و می‌تواند قضاوت‌کننده ربط مدارک بازیابی‌شده باشد (بوکستنن، ۱۹۷۹؛ بورلاند، ۲۰۰۳؛ ساراسویک، ۲۰۰۷). این دیدگاه مبتنی بر فلسفه انسان‌معیاری پروتاگوراسی است؛ اما یورلند (۲۰۱۰) آن را دیدگاهی ظاهراً منطقی خوش‌ظاهر و بدسرشت می‌داند که اشاعه آن ممکن است به علم اطلاعات خدشه وارد کند.

در این دیدگاه نیاز با خواسته یکسان است؛ درحالی‌که ممکن است افراد برخی چیزها را بخواهند ولی بدان نیاز نداشته باشند و برعکس (درر، ۱۹۸۳؛ نومر و فیشر، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، تفسیر اقتصادی (یعنی برحسب منافع) از نیاز اطلاعاتی مناسب ربط نیست. براساس این دیدگاه، رضایت کاربران باید اصلی برای طراحی و ارزیابی نظام‌های اطلاعاتی باشد (کوپر، ۱۹۷۱)، اما هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) این نظر را انتقاد کرده‌اند و یورلند و کریستنن (۲۰۰۲) نیز در نقد این نظر بیان می‌کنند، زمانی‌که شخص برای پذیرش یک گزاره خاص دلیل می‌آورد، درستی این علت به موفقیت او در بحث بستگی ندارد. علت می‌تواند صحیح باشد، حتی اگر در گفتگوش شما را قانع نکند یا ممکن است صحیح نباشد، حتی اگر شما فکر کنید صحیح است.

برحسب دیدگاه کاربرگرایی، گستره گوناگونی از ساختارهای شناختی فردی در ذهن هر انسان وجود دارد که مدل وی را از دنیا می‌سازد (فتاحی، ۱۳۸۳؛ اینگورسن، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، دو نظر متفاوت درباره موضوعی واحد، نیازهای اطلاعاتی و

1. Derr

در سطح عمیق‌تر معیارهای ربط متفاوتی را ایجاد می‌کنند (داورپناه، ۱۳۸۳) و دریافت‌کنندگان می‌توانند یک متن و پیام را به‌میزان متفاوت دریافت کنند (اسپینک و کول^۱، ۲۰۰۵). بر این اساس، ممکن است یک مدرک و متن از نظر کاربری مرتبط و باشد (ساراسویک، ۲۰۰۷، هارتر، ۱۹۹۲، نشاط، ۱۳۸۲)، این مدرک برای یک کاربر مرتبط و برای کاربر دیگر نامرتب خواهد بود. این موضوع را به‌لحاظ معرفت‌شناختی می‌توان با "نسبی‌بودن امر واحد" هراکلیتوس (سیدمظهری، ۱۳۹۲) تفسیر کرد. در نظر هراکلیتوس، نسبیت‌گرایی جایگزینی برای قطعیت معرفی شده است و به‌منزله دیدگاهی قوی بیان می‌شود که در آن هیچ حقیقت مستقل از ذهن وجود ندارد؛ اما باد^۲ این نظر را به‌درستی رد کرده است و این دیدگاه مناسبی برای علم اطلاعات و دانش‌شناسی و موضوع ربط نیست (دیک و ویکرت^۳، ۲۰۰۳)

ربط: ثابت، سیال، یا هردو

درباره دو رویکرد نظام‌گرایی (ربط عینی و ثابت) و کاربرگرایی (ربط ذهنی و سیال) در پژوهش‌های بی‌شماری بحث شده است؛ اما با مرور پژوهش‌های فلسفی نظیر مظهری (۱۳۸۸)، دادبه (۱۳۸۰)، بختیاری (۱۳۹۴)، و مشکات و بینای‌مطلق (۱۳۸۹)، که از فیلسوفان دوگان‌گرا بوده و به ثبات و سیالیت - هردو - توجه داشته‌اند، نه تنها این دو دیدگاه را متضاد هم نمی‌دیدند بلکه آنها را مکمل هم می‌دانستند. در این راستا، ساراسویک (۲۰۰۷) نیز بیان کرده است پژوهشگران طرفدار رویکرد نظام‌گرایی و طرفداران کاربرگرایی هر دو در نبردشان شکست خورده‌اند. دروین و نیلان (۱۹۸۶) در اینکه فقط رویکرد کاربرگرایی را انتخاب کردند در اشتباه بوده‌اند و طرفداران نظام‌گرایی نیز اشتباهشان در نادیده‌گرفتن کاربران بوده است.

به این سبب می‌توان گفت، رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی مخالف هم نیستند و مسئله اصلی این است که ما چگونه این دو رویکرد را باهم و در کنار هم به‌کار بگیریم تا هر دو سودمند باشند (ساراسویک، ۲۰۰۷). هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) نیز موافق این نظر هستند که رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی مکمل هم هستند. در همین راستا، تعدادی از پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا دو دیدگاه را با پیشنهاد مدل‌ها و مبانی فلسفی "ربط یکپارچه"^۴ آشتی دهند. کوساین و اینگورسن^۵ (۲۰۰۰) با اشاره به دو رویکرد از ربط و نموده‌های آن، رویکرد شناختی - اجتماعی را نگرشی جامع و فراگیر معرفی کردند. کاپورو (۲۰۰۳) رویکرد هرمنوتیکی را پیشنهاد دادند،

1. Spink & Cole
2. Budd
3. Dick & Weckert
4. Unified relevance
5. Cosijn & Ingwersen

زیرا معتقدند که این رویکرد، هردو رویکرد پراگماتیکی و اجتماعی را در خود دارد. ویلسون (۲۰۰۲) نیز افزون بر اینکه پژوهش‌های بدون چارچوب فلسفی را پژوهش‌های ماشینی و بی‌اساس می‌خواند رویکرد هرمنوتیکی را مناسب پژوهش‌های ربط دانسته است.

ساراسویک (۲۰۰۷) هردو رویکرد عینی و ذهنی را شکست‌خورده دانسته و مدل تعاملی و طبقه‌ای خود را به بحث گذاشته است؛ اما مقاله خود را با سخنی از افلاطون، یعنی "همه‌چیز در سیلان است"، آغاز کرده است که نشان می‌دهد او افلاطون را تک‌بُعدی دیده است و به رویکرد ذهنی گرایش دارد. درحالی‌که یورلند (۲۰۱۰) گرچه از هر دو رویکرد عینی و ذهنی نقد کرده است، با توجه به اینکه پارادایم جامعه‌شناختی را بر پارادایم شناختی ترجیح می‌دهد، به رویکرد عینی گرایش دارد. با وجود این، ساراسویک و یورلند پژوهشگرانی هستند که همواره به هر دو دیدگاه توجه داشته‌اند و نمی‌توان آنها را در یکی از این دو گروه قرار داد. یورلند (۲۰۰۴) نگاه رئالیستی به‌ویژه رئالیسم تجربی را برای علم اطلاعات و دانش‌شناسی پیشنهاد کرد. با اندکی تفاوت، قبادپور، فدائی، و ثابت‌پور (۱۳۹۳) با انتقاد از هر دو رویکرد عینی و ذهنی، رئالیسم انتقادی را پیشنهاد داده‌اند. در رئالیسم انتقادی اعتقاد بر این است که ما نسبت به جهان بیرونی علم بی‌واسطه نداریم، بلکه به‌وسیله نمودهای جهان بیرونی که حواس به ما عرضه می‌کند آن را می‌شناسیم. این نمودها، رونوشت عینی واقعیت‌های بیرونی نیستند؛ اما به اشیا مرتبط‌اند و اشیا عینیت دارند. سرانجام می‌توان گفت پژوهشگران به این سمت سوق یافته‌اند تا از رویکردی استفاده کنند که به هر دو وجه عینیت و ذهنیت توجه دارد تا بتواند حاوی همه نمودهای ربط باشد.

افلاطون: فیلسوف دوگان‌محور

تا اینجا مشخص شد رویکرد نظام‌گرایی از فلسفه مکانیکی (پارمنیدس) نشأت می‌گیرد و خواستگاه رویکرد کاربرگرایی، فلسفه سیلان هراکلیتوسی است. با مرور پژوهش‌های بروکز^۱ (۱۹۸۰)، انس^۲ (۱۳۸۸)، و فتحی و موسی‌زاده (۱۳۹۰) می‌توان نتیجه گرفت افلاطون کثرت هراکلیتوسی را می‌پذیرد؛ اما آن را صرفاً به جهان محسوس، یعنی قلمرو کون و فساد محدود کرده است و تمام استدلال‌ات هراکلیتوس را نیز در همین محدوده معرفت حسی تفسیر می‌کند. از سوی دیگر، وی وحدت پارمنیدسی را نیز می‌پذیرد؛ اما آن را نیز به عالم عقل، حقیقی، یا همان عالم مُثُل محدود کرده است و استدلال‌ات پارمنیدس مبنی بر ثبات و وحدت "وجود" را به

1. Brookes
2. Annas

وجود ایده‌ها پیوند می‌زند. به بیانی دیگر، افلاطون فیلسوف دوگان‌گرا و جامع‌نگری است که نظریه وی هم سیالیت هراکلیتوسی و هم ثبات پارمنیدسی را در خود دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد فلسفه افلاطونی، رویکردی مناسب برای ارزیابی نظام‌های بازایی اطلاعات به‌ویژه قضاوت ربط باشد. در نتیجه، روش‌شناسی این مکتب نیز نتایج همه‌جانبه و کامل‌تری از سایر روش‌شناسی‌ها ارائه خواهد کرد. افزون بر این، به‌لحاظ روش‌شناختی، گرین و کاراسلی^۱ (۱۹۹۷) و کرسول و پلانوکلاک (۱۳۹۰) دو رویکرد کمی و کیفی پژوهش را نقد کرده و رویکرد ترکیبی پیشنهاد کرده‌اند که نتایج همه‌جانبه‌تری را به‌دست می‌دهد. نشاط (۱۳۸۸) نیز در بحث ضرورت تعامل دو رویکرد کمی و کیفی در پژوهش، تأکید می‌کند به‌منظور بالندگی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی باید در تبیین مسائل و مسئله‌شناسی و روش‌های پژوهشی، به‌گفتمان وسیع‌تری غیر از تعبیر سنتی محدود توجه کرد. از آنجایی که روش دیالکتیکی یکی از روش‌هایی است که رویکرد ترکیبی را ارائه می‌کند و به تعامل دو رویکرد کمی و کیفی پژوهش توجه شده است (گرین و کاراسلی ۱۹۹۷؛ کرسول و پلانوکلاک، ۱۳۹۰)، می‌توان گفت روش دیالکتیکی افلاطون روش مناسبی برای ارزیابی نظام‌های بازایی اطلاعات به‌ویژه مسئله "ربط" باشد.

گرچه پژوهشگران، دیالکتیک را از نظر تحلیل زبان‌شناختی، لغوی، و نیز در معنای اصطلاحی به‌صورت‌های متفاوت تفسیر کرده‌اند، اجماع نظر وجود دارد که افلاطون دیالکتیک را راهی برای جستجوی حقیقت و رسیدن به معرفت - نه روشی برای جدل - دانسته است (فتحی و موسی‌زاده، ۱۳۹۰). دیالکتیک‌دان فردی است که بتواند در عین کثرت، وحدت را و در عین وحدت، کثرت را ببیند (معصوم، ۱۳۸۴). به بیان بهتر، اهل دیالکتیک کسی است که هر دو مهارت ترکیب و تقسیم را داشته باشد. ترکیب از افراد آغاز می‌شود و به انواع و سپس به اجناس منتهی می‌شود و تقسیم نیز تجزیه مکرر اجناس به انواع است، یعنی تقسیم مفاهیم کلی‌تر به مفاهیمی که کلیت کم‌تری دارند تا به مفهومی منجر شود که تقسیم‌پذیر نباشد.

سخن آخر

معرفت‌شناسی مبنای پیش‌فرض‌های ما را تشکیل می‌دهد و این پیش‌فرض‌ها اساس روش‌شناسی‌هایی است که در پژوهش‌ها برای گردآوری داده‌ها و ابزارهای تحلیل و چگونگی تفسیر داده‌ها به‌کار گرفته می‌شوند (پاول، ۱۳۷۹). ویلسون (۲۰۰۲) معتقد است پژوهش‌هایی که بدون کنکاش فلسفی انجام می‌شوند، پژوهش‌هایی هستند که

1. Greene & Caracelli

صرفاً انجام می‌شوند. از سوی دیگر، یورلند (۲۰۱۰) درک مفهوم "ربط" را بدون داشتن بنیه فلسفی محدود می‌شمارد و ساراسویک (۲۰۰۷) نیز همواره مفهوم ربط را به معرفت‌شناسی گره زده است. به همین سبب، درک فلسفی برای انجام پژوهش در موضوع ربط اهمیت زیادی دارد. در این راستا در پژوهش حاضر، نخست دو رویکرد موجود در بازیابی اطلاعات، یعنی "رویکرد نظام‌گرایی" و "رویکرد کاربرگرایی"، با نگاهی فلسفی بررسی شد.

همان‌گونه که بیان شد رویکرد نظام‌گرا از فلسفه مکانیکی پارمنیدسی نشأت گرفته است؛ زیرا طبق نظر پارمنیدس جهان ثابت و یکتاست. بر این مبنا، در این رویکرد نیاز اطلاعاتی با پرسش تغذیه‌شده به نظام برابر بوده و تغییر وضعیت شناختی کاربر و ساختار دانشی او نیز نادیده گرفته شده است. درمقابل، رویکرد کاربرگرایی از فلسفه سیلان هراکلیتوسی برخاسته است و طبق نظر هراکلیتوس در یک رودخانه نمی‌توان دوبار شنا کرد و همه چیز در سیلان و حرکت است. بر این اساس، در این رویکرد جهان در حال شدن است و همه چیز تغییر می‌کند. در این راستا، میزارو (۱۹۹۸) و نشاط (۱۳۸۲) به مراحل تبدیل نیاز اطلاعاتی به پرسش اشاره و به تغییرات رخ داده هنگام تبدیل نیاز اطلاعاتی به پرسش توجه کرده‌اند. همچنین براساس این رویکرد، هر مدرک ممکن است برای یک فرد در یک زمان مرتبط و در زمان دیگر نامرتب باشد. بنابراین، این دو رویکرد در مقابل هم قرار دارند و از سویی طبق نظر ساراسویک (۲۰۰۷)، یورلند (۲۰۱۰)، و هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) پژوهش‌هایی در حوزه ربط موفق خواهند بود که این دو رویکرد را باهم و در کنار هم به کار بگیرند. بنابراین، استفاده از نظریه‌ای در حوزه بازیابی اطلاعات مفید خواهد بود که در آن هم به رویکرد نظام‌گرایی (ثبات پارمنیدسی) و هم به رویکرد کاربرگرایی (سیلان هراکلیتوسی) توجه شده باشد.

افلاطون دیدگاه هراکلیتوس را می‌پذیرد مبنی بر اینکه شدن یا دگرگونی مطلق وجود دارد و آن را با جهان محسوس پیوند می‌دهد که هیچ‌چیز ثابت و دائمی را دربر نمی‌گیرد، بلکه جریانی پیوسته و مداوم است. از سوی دیگر، وی وحدت پارمنیدسی را نیز می‌پذیرد؛ اما آن را نیز به عالم عقل، عالم حقیقی، یا همان عالم مُثُل محدود کرده و استدلالات پارمنیدس مبنی بر ثبات و وحدت "وجود" را به وجود ایده‌ها پیوند زده است. بر این اساس، استفاده از نظریه افلاطونی، رویکرد ترکیبی و مناسبی برای ارزیابی ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات است. در پیوند نظریه هراکلیتوسی و نظریه پارمنیدسی و نظریه افلاطونی با ارزیابی

بازیابی اطلاعات می‌توان گفت جهان‌بینی و ساختارهای دانشی مشارکت‌کنندگان در پژوهش با مطالعه مدارک، تغییر می‌کند؛ با تغییر ساختارهای دانشی، معیارهای قضاوت ربط در آنها نیز تغییر می‌یابد، ربط مدرک به نیاز اطلاعاتی نیز در گذر زمان تغییر خواهد کرد. همچنین با قرارگرفتن همان فرد، بعد از مطالعه یک سلسله مدارک، در همان شرایط و موقعیت قبلی که ایجاد نیاز کرده است، نیاز اطلاعاتی متفاوتی از نیاز اطلاعاتی درک‌شده از زمان t_1 ایجاد خواهد شد. به بیانی دیگر، تغییر در تجربه و نوع نگاه مشارکت‌کنندگان را می‌توان با استفاده از نظریه سیلان جهان محسوس هراکلیتوسی تفسیر کرد. از سوی دیگر، قضاوت مشارکت‌کنندگان در طول زمان تغییر می‌کند؛ درحالی‌که مدارک، همان مدارکی قبلی است و چه بسا امکان دارد، مدرکی در زمان t_1 به‌عنوان مدرک نامرتبط تشخیص داده شود و با مطالعه چند مدرک دیگر و در زمان t_2 همان مدرک مرتبط قضاوت شود. حال اینکه تغییری در اصل مدرک ایجاد نشده است یا تغییر نکردن مدرک را می‌توان همان ثبات پارمیدسی دانست. از این رو، با استفاده از نظریه افلاطون، تضاد و تقابل دو رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی رفع می‌شود.

مباحث مربوط به مفهوم ربط در مقوله ماهیت شناخت قرار می‌گیرد. بنابراین، در ماهیت شناخت (مفهوم ربط)، نظریه افلاطون، نظریه‌ای ترکیبی است. اما جستار در مفهوم ربط کافی نیست، بلکه مسئله اصلی این است که چه روشی در ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات به‌کار گرفته شود که روشی ترکیبی محسوب شود. با توجه به اینکه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در پیوند با یکدیگرند، نوع نگرش به معرفت، روش رسیدن به معرفت را مشخص می‌کند. از آنجایی که مفهوم ربط با استفاده از نظریه افلاطونی نگرشی ترکیبی تشخیص داده شد، پذیرفتنی است که رسیدن به معرفت از نگاه افلاطون نیز روشی ترکیبی باشد. افلاطون روش دیالکتیکی را برای رسیدن به معرفت ارائه کرده است؛ در نتیجه می‌توان گفت روش دیالکتیکی برای ارزیابی بازیابی اطلاعات، روشی ترکیبی محسوب می‌شود چون در آن به همه ابعاد بازیابی اطلاعات توجه شده است. ابعاد بازیابی اطلاعات را می‌توان شامل ذخیره‌سازی و نمایه‌سازی یا پوشش (خزنه)، امکانات بازیابی اطلاعات (رابط کاربری)، پیشنهاد پرسش (نظام توصیه‌گر)، الگوریتم بازیابی اطلاعات، شیوه نمایش مدارک، و رتبه‌بندی مدارک در نظر گرفت.

براساس روش دیالکتیکی، وظایف کاری در اختیار مشارکت‌کنندگان پژوهش قرار می‌گیرد و از آنها خواسته می‌شود که نیاز اطلاعاتی حاصل از وظایف کاری

را در نظام‌های بازیابی اطلاعات (نظیر موتورهای کاوش) جستجو، نشانی مدارک مرتبط را کپی، و در فرم جستجو ثبت کنند. هرچه مدرکی از سوی مشارکت‌کنندگان بیشتر به‌عنوان مدرک مرتبط تشخیص داده شود، میزان ربط بیشتری به آن مدرک تعلق می‌گیرد و هر نظام بازیابی اطلاعاتی که بتواند مدارک مرتبط‌تری را بازیابی کند، به‌عنوان نظام کارآمدی شناخته می‌شود. از آنجایی که در روش دیالکتیکی، جستجوی مشارکت‌کنندگان در محیط طبیعی انجام می‌شود، نظام بازیابی اطلاعاتی موفق خواهد بود که در عمل نیاز اطلاعاتی کاربر را تشخیص دهد و مدارک مرتبط را بازیابی کند. از این‌رو، در روش دیالکتیکی به‌طور نسبی به همه مشخصه‌ها و ویژگی‌های نظام‌های بازیابی اطلاعات در عمل و در تعامل با یکدیگر نگرسته می‌شود. به بیانی دیگر، در روش دیالکتیکی نه تنها دو رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی در تقابل هم نیستند، بلکه به این دو نگرش باهم و در کنار هم توجه می‌شود.

مآخذ

- انس، جولیا (۱۳۸۸). *افلاطون: مقدمه‌ای بسیار کوتاه* (ابوالفضل حقیری قزوینی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- اینگورسن، پیتر (۱۳۸۹). *تعامل بازیابی اطلاعات* (هاجر ستوده، مترجم). تهران: کتابدار.
- بختیاری، فاطمه (۱۳۹۴). تأثیر مفهوم وجود ثابت پارمنیدس و سیلان هراکلیتوس بر وجودشناسی افلاطون. *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، ۴ (۷)، ۱۰۵-۱۲۱.
- برن، ژان (۱۳۶۶). *سفرراط* (ابوالقاسم پورحسینی، مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پاول، رونالد (۱۳۷۹). *روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران* (نحلا حریری، مترجم). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.
- پائو، میراندو لی (۱۳۷۸). *مفاهیم بازیابی اطلاعات* (اسدالله آزاد و رحمت‌الله فتاحی، مترجمان). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسن‌زاده، محمد؛ رضازاده، الهام (۱۳۸۷). ارزیابی ربط در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات از رهیافت شناختی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۱ (۲)، ۵۳-۷۰.
- حریری، نحلا (۱۳۷۷). مفهوم "ربط" در بازیابی از نظام‌های اطلاعاتی. *فصلنامه کتاب*، ۹ (۲)، ۷-۱۷.
- دادبه، اصغر (۱۳۸۰). *کلیات فلسفه*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۳). *پارادایم و بازیابی اطلاعات*. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۷ (۳)،

۱۴-۲.

سیدمظهری، منیره (۱۳۹۲). آرای هراکلیتوس درباره جنبش ذاتی طبیعت و مقایسه آن با دیدگاه ملاصدرا. *اندیشه دینی*، ۱۳ (۳)، ۱۳۳-۱۶۲.

شرف خراسانی، شرف‌الدین (۱۳۵۲). *از سقراط تا ارسطو*. تهران: دانشگاه ملی ایران.
عصمتی، سبجان (۱۳۸۰). گذری بر آرای فلسفی هراکلیتوس. *معرفت*، ۴۲، بازیابی ۱۵ شهریور ۱۳۹۶، از <http://marifat.nashriyat.ir/node/1275>

فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). تحلیل عوامل مؤثر بر نسبی بودن ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات. *اطلاعات‌شناسی*، ۲ (۱)، ۷-۲۲.

فتحی، حسن؛ موسی‌زاده، صدیقه (۱۳۹۰). دیالکتیک هگل: سنتزی از دیالکتیک کانت در برابر دیالکتیک افلاطون. *تاریخ فلسفه*، ۲ (۱)، ۴۹-۸۰.

قبادپور، وفا؛ فدائی، غلامرضا؛ و ثابت‌پور، افسون (۱۳۹۳). ربط عینی و ربط ذهنی در نظام‌های اطلاعاتی: تحلیلی بر ربط در بازیابی اطلاعات. *پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰ (۱)، ۲۴۵-۲۶۷.

قهرمانی، محمدامین؛ عبدالهی، بیژن (۱۳۹۲). بنیان‌های فلسفی و بررسی ارتباط بین هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پارادایم‌های تفسیری، انتقادی و علمی با روش‌شناسی و روش‌های مورد استفاده در این پارادایم‌ها. *پژوهش*، ۴ (۱)، ۵۱-۶۹.

کرسول، جان؛ پلانوکلاک، ویکی (۱۳۹۰). *روش‌های پژوهش ترکیبی* (علیرضا کیامنش و جاوید سرایی، مترجمان). تهران: آبیژ.

کشاوری، حمید (۱۳۹۴). *جستجوی اطلاعات از نیاز تا باور*. تهران: کتابدار.
کیانی، محمدرضا (۱۳۹۱). رویکردهای ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات: پس‌زمینه و چشم‌انداز روبه‌رو. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۵ (۲)، ۲۴۳-۲۵۸.

کیس، دونالد اوئن (۱۳۹۳). *جست‌وجوی اطلاعات: بررسی تحقیقات درباره اطلاع‌یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی* (زاهد بیگدلی، شبنم شاهینی، روح‌اله خادمی، و صدیقه طاهرزاده موسویان، مترجمان). اهواز: دانشگاه شهید چمران.

مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰). معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته. *راهبرد*، ۲۰ (۶۰)، ۲۱۷-۲۳۴.

مشکات، محمد؛ بینای‌مطلق، سعید (۱۳۸۹). معانی وجود از دیدگاه افلاطون بر مبنای جمهوری، پارمنیدس و سوفیست. *نخردنامه صدرا*، ۶۴، ۶۴-۷۷.

مظهری، مرتضی (۱۳۸۸). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* (ج ۱۵). تهران: صدرا.
معصوم، حسین (۱۳۸۴). مفهوم دیالکتیک در فلسفه افلاطون. *اندیشه‌های فلسفی*، ۱ (۳)،

۱۰۷-۱۱۹.

مهراد، جعفر؛ فلاحتی فومنی، محمدرضا (۱۳۸۴). معنائشناسی و بازیابی اطلاعات: هفت گفتار. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای؛ شیراز: کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی.
نشاط، نرگس (۱۳۸۲). هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات. *اطلاعات‌شناسی*، ۱ (۲)، ۳۱-۴۶.
نشاط، نرگس (۱۳۸۸). تعامل پارادایم‌های پژوهشی در روش‌شناسی. *کتاب ماه کلیات*، ۱۳ (۳)، ۳۰.

Bookstein, A. (1979). Relevance. *Journal of the American Society for Information Science*, 30 (5), 269 – 273.

Borlund, P. (2003). The concept of relevance in IR. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54 (10), 913-925.

Brookes, B. C. (1980). The foundations of information science. Part I. Philosophical aspects. *Journal of information Science*, 2 (3-4), 125-133.

Capurro, R. (2003). *Foundations of Information science: Review and perspectives*. Retrieved 20 July, 2016, from <http://arizona.openrepository.com/arizona/html/10150/105705/ethikskript/tampere91.htm>

Chen, G. K. C. (1975). What is the systems approach? *Interfaces*, 6 (1), 32-37.

Cooper, W. S. (1971). A definition of relevance for information retrieval. *Information Storage and Retrieval*, 7 (1), 19-37.

Cosijn, E., & Ingwersen, P. (2000). Dimensions of relevance. *Information Processing & Management*, 36 (4), 533-550.

Derr, R. L. (1983). A conceptual analysis of information need. *Information Processing & Management*, 19 (5), 273-278.

Dervin, B., & Nilan, M. S. (1986). Information needs and uses. *Annul Review of Information Science and Technology*, 21 (3), 3-33.

Dick, A. L., & Weckert, J. (2003). Review: a philosophical framework for library and information science. *The Library Quarterly: Information, Community, Policy*, 73 (1), 73-77.

Encyclopedia Britannica. (2016). Mind-body dualism (philosophy). *In Britannica Global Edition* (30 Vol. set). New York: Encyclopaedia Britannica.

Foskett, D. J. (1972). A note on the concept of “relevance”. *Information Storage*

and Retrieval, 8 (2), 77-78.

Greene, J. C., & Caracelli, V. J. (1997). Defining and describing the paradigm issue in mixed-method evaluation. *New Directions for Evaluation*, 1997 (74), 5-17.

Harter, S. P. (1992). Psychological relevance and information science. *Journal of the American Society for Information Science*, 43 (9), 602-615.

Hersh, W. (1994). Relevance and retrieval evaluation: Perspectives from medicine. *Journal of the American Society for Information Science*, 45 (3), 201-206.

Hjørland, B. (2004). Arguments for philosophical realism in library and information science. *Library Trends*, 52 (3), 488-506.

Hjørland, B. (2010). The foundation of the concept of relevance. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 61 (2), 217-237.

Hjørland, B., & Christensen, F. S. (2002). Work tasks and socio-cognitive relevance: a specific example. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 53 (11), 960-965.

Huang, X., & Soergel, D. (2013). Relevance: an improved framework for explicating the notion. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 64 (1), 18-35.

Lavrenko, V. (2009). *A Generative Theory of Relevance* (Vol. 26). Berlin: Springer-verlag.

Mizzaro, S. (1998). How many relevances in information retrieval. *Interacting with Computers*, 10 (3), 303-320.

Naumer, C., & Fisher, K. E. (2009). Information needs. In J. D. McDonald & M. Levine-Clark. *Encyclopedia of library and information sciences* (3rd ed). New York: Taylor and Francis.

Park, T. K. (1993). The nature of relevance in information retrieval: an empirical study. *The Library Quarterly: Information, Community, Policy*, 63 (3), 318-351.

Saracevic, T. (1975). Relevance: a review of and a framework for the thinking on the notion in information science. *Journal of the American Society for Information Science*, 26 (6), 321-343.

Saracevic, T. (1996). Relevance reconsidered. In P. Ingwersen & N. Ole Pors

(Eds.). *Proceedings of CoLIS 2: Second Conference on Conceptions of Library and Information Science: Integration in Perspective, October 14-17*, (pp. 201-218). København: Royal School of Librarianship.

Saracevic, T. (2006). Relevance: a review of the literature and a framework for thinking on the notion in information science. In D. A. Nitecki, E. G. Abels (Eds.), *Advances in Librarianship*, 30, pp. 3-71.

Saracevic, T. (2007). Relevance: a review of the literature and a framework for thinking on the notion in information science. Part II: Nature and manifestations of relevance. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 58 (13), 1915–1933.

Schamber, L., Eisenberg, M. B., & Nilan, M. S. (1990). A re-examination of relevance: Toward a dynamic, situational definition. *Information Processing & Management*, 26 (6), 755-776.

Spink, A., & Cole, C. (2005). A multitasking framework for cognitive information retrieval. In *New directions in cognitive information retrieval* (Chap. 6, pp. 99-112). Netherlands: Springer.

Swanson, D. R. (1986). Subjective versus objective relevance in bibliographic retrieval systems. *The Library Quarterly: Information, Community, Policy*, 56 (4), 389-398.

Wilson, T. D. (2002). Alfred Schutz, phenomenology and research methodology for information behavior research. *The New Review of Information Behaviour Research*, 3 (71), 1-15.

استناد به این مقاله:

نوکاریزی، محسن؛ زینالی، مهدی (۱۳۹۷). نظری بر مبانی فلسفی ربط: ثابت، سیال یا هردو: ارزیابی ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات بر مبنای دیالکتیک افلاطونی. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۹ (۲)، ۹۷-۱۱۶.